



فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۴۰۳

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری و جایگاه آن در کارایی و ارتقای سازمان‌های دولتی

امین بناءزاده اردبیلی^۱، علی حاجی پور کندرود^۲، ابوالفضل رنجبری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

چکیده

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری یکی از مفاهیم نوین و بنیادین حقوق اداری به‌شمار می‌آید و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اداره خوب مورد توجه قرار گرفته است. با این وجود، مباحث مرتبط با این اصل اغلب بر جنبه‌های نظری و مبانی آن متمرکز بوده و تأثیر عملی آن بر کارایی و ارتقای سازمان‌های دولتی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی ابعاد اجرایی این اصل و تأثیرات آن بر بهبود عملکرد و کارایی سازمان‌های دولتی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پیاده‌سازی صحیح و اصولی این اصل، نه تنها به افزایش شفافیت و پاسخگویی در ادارات دولتی کمک می‌کند، بلکه به عنوان ابزاری مؤثر در تضمین عدالت، تقویت نظارت‌های درون و برون سازمانی، افزایش مشارکت عمومی و تقویت اصول حقوق بشری در اداره نقش آفرینی می‌کند. این نتایج در نهایت منجر به ارتقای اعتماد عمومی به نهادهای دولتی، بهبود رضایت شهروندان از عملکرد سازمان‌ها و افزایش بهره‌وری در مدیریت دولتی می‌شود. همچنین، اجرای این اصل با توجه به نیازهای جدید اداری و دیجیتال شدن فرآیندهای حکمرانی، قابلیت ایجاد تحول اساسی در نظام‌های دولتی مدرن را دارد و به ارتقای سطح حکمرانی هوشمند کمک شایانی می‌نماید.

واژگان کلیدی: اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری؛ ارتقای سازمان، شفافیت؛ کارایی سازمانی

۱. دانشجوی دکترا، گروه حقوق عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

Hajipour62@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۱- مقدمه

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات از اهمیت ویژه‌ای در تصمیمات اداری برخوردار است. اسناد حقوقی متعددی در اتحادیه اروپا به لزوم اجرای این اصل در تصمیم‌گیری‌ها پرداخته‌اند. در این راستا معاهده استقرار جامعه اروپایی^۱ در ماده ۲۵۳ خود مقرر داشته است: «دلایل و مبانی آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و تصمیمات مصوب توسط پارلمان و شورای اروپا می‌بایست بیان گردد». همچنین بند ۲ ماده ۲۹۶ معاهده عملکرد اتحادیه اروپا^۲ مشعر بر ارائه مبانی و دلایلی است که اعمال حقوقی بر آن استوار گشته‌اند. مهم‌تر از این دو سند، با درج این اصل در ماده ۴۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا،^۳ این اصل جزء حقوق اساسی شهروندان شناسایی شده است. در این ماده آمده است: «حق بر اداره خوب شامل حق بر شنیده شدن قبل از هراقدام فردی که ممکن است بر او تاثیر زیان‌بار داشته باشد، حق دسترسی به پرونده خود با رعایت منافع محرمانه شغلی و اسرار حرفه‌ای و الزام اداره به ارائه دلایل تصمیماتش می‌باشد». این اصل در زمره اصول رفتار خوب اداری نیز قرار گرفته و از اهمیت بسزایی برخوردار است. ماده ۱۸ قانون رفتار خوب اداری اتحادیه اروپا^۴ بیان می‌دارد: «تصمیم از سوی مؤسسه که ممکن است به طور منفی بر حقوق یا منافع یک شخص حقیقی تأثیر بگذارد، باید دلایل آن را که بر اساس آن بر پایه مدرک‌های مرتبط و پایه‌های قانونی تصمیم گرفته شده است، به وضوح بیان کند. مسئول مربوطه باید از تصمیم‌گیری‌هایی که بر دلایل خلاصه یا مبهم استوار هستند یا شامل استدلال فردی نمی‌شوند، پرهیز کند. اگر به دلیل تعداد زیاد افرادی که تصمیمات مشابه را مورد بررسی قرار داده‌اند، امکان ارائه دقیق دلایل تصمیم وجود نداشته باشد و به همین دلیل پاسخ‌های استاندارد ارسال شود، پس از آن مسئول می‌بایست به شهروندی که به صراحت درخواست کرده است، با ارائه دلیل‌های فردی، پاسخ دهد». با این اوصاف اهمیت اصل مذکور مشخص می‌شود. با این حال مسئله مهم آن است که اجرای مطلوب این اصل در گرو توجه به مولفه‌های مبنایی آن امکان‌پذیر است. در همین راستا اهمیت پژوهش حاضر در آن است که نقش اصل لزوم ارائه دلایل در تصمیم‌گیری‌های اداری را تبیین نموده و تاثیر آن بر عملکرد و ارتقای سازمان‌های دولتی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این راستا مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری با توجه به مولفه‌های مبنایی آن چه تاثیری در بهبود عملکرد و ارتقای جایگاه سازمان‌های دولتی در ایران دارد؟ فرضیه نویسندگان آن است که مؤلفه‌های مبنایی اصل مورد بحث در جهت ارتقای عملکرد و جایگاه سازمان‌های دولتی طراحی گردیده و در صورت اجرای موثر و مطلوب آن از یک سو و رفع موانع موجود بر سر اجرای واقعی آن از سوی دیگر به ارتقای عملکرد سازمان‌های دولتی منجر خواهد شد.

در خصوص پیشینه موضوع نیز مطالب ذیل لازم به ذکر است: رضایی‌زاده و عطریان (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا» به بررسی محدوده و مبانی اصل و جایگاه آن در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده است که اصل ارائه دلایل تصمیمات اداری در اروپا یکی از اصول اداره خوب بوده و مقامات اداری مکلف

1. The Treaty Establishing the European Community
2. The Treaty on the Functioning of the European Union
3. The Charter of Fundamental Rights of the European Union
4. The Right to Good Administration

به بیان ادله و مبانی تصمیم خود هستند اما در ایران علیرغم پیش‌بینی این اصل در برخی قوانین و مقررات، مقامات اداری به صورت موردی به ارائه دلایل تصمیمات خود مکلف شده‌اند و لازم است این موضوع بر کلیه تصمیمات اداری تعمیم یابد.

فلاح‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اصل بیان دلایل، مستندات آراء، تصمیمات اداری و انعکاس آن در رویه قضایی دیوان عدالت اداری» با بررسی میزان تاثیر اصل مذکور در آراء دیوان عدالت اداری و تصمیمات اداری در نهایت به این نتیجه رسیده است که رویه قضایی دیوان عدالت اداری اصل مزبور را مورد شناسایی قرار داده اما رویه دیوان در مورد تصمیمات اداری از قوام و توسعه یافتگی کافی برخوردار نیست.

ابراهیم‌پور، زرگو و موذنی (۱۴۰۳) در پژوهشی تحت عنوان «مختصات حکمرانی در آراء و اندیشه‌های سیاسی محمدعلی فروغی، درس‌هایی برای سازمان‌های دولتی ایران» به معرفی مختصات و مشخصه‌های حکمرانی بر اساس آراء و اندیشه‌های محمدعلی فروغی پرداخته‌اند و در نهایت به این نتیجه دست یافته‌اند که مؤلفه‌های، تمامیت و یکپارچگی ادراک شده حکمران، مردم سالاری، شهروند محوری، بلوغ ملی، شایسته سالاری، بلوغ سیاست بین الملل و شفافیت ساختاری به عنوان آموزه‌های تاریخی در سطوح مختلف دولتی و اداری می‌تواند قابل استفاده باشد.

پونس (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت خوب و رویه اداری» ضمن ارائه مفهومی از اداره شایسته و مدیریت مطلوب با لحاظ اصول شفافیت و دسترسی به اطلاعات به این نتیجه می‌رسد که با شفافیت در تمام شئون یک دولت و ایجاد آزادی دسترسی به اطلاعات است که می‌توان از بروز فساد جلوگیری نمود و شاهد یک دولت شایسته و رویه اداری خوب بود.

با این وصف نگاهی به پیشینه تحقیقات انجام شده گویای این واقعیت است که، اگر چه مقالاتی در خصوص بررسی مفهوم و جایگاه اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری به رشته تحریر درآمده است، اما توجه به مولفه‌های مبنایی این اصل و تاثیر آن بر ارتقای عملکرد سازمان‌های دولتی در ایران از نوآوری‌های خاص مقاله حاضر بوده و سابقه پژوهش خاص و مستقلی در این خصوص توسط نویسندگان مشاهده نگردید.

۲- تحلیل مفهومی اصل توجیه تصمیمات اداری

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات^۱ به معنای تعهد مقامات اداری به توجیه و تبیین دلایل و استدلال‌های قانونی و منطقی ورأی تصمیمات و اقدامات خود است. مطابق این اصل مقامات و نهادهای عمومی باید مبنا و دلایل تصمیم خویش را به روشنی بیان کنند؛ بر اساس این اصل، مقامات اداری موظف به ارائه دلایل موجه و قانونی منجر به تصمیمات و اقدامات خود، به طرف متاثر از آن هستند. به گونه‌ای که به وضوح، مشخص شود تصمیم متخذه با چه توجیهی و بر اساس چه قوانینی اتخاذ شده است. بر این اساس هر شخصی محق است تا از دلایل اتخاذ تصمیم توسط مقام و نهاد عمومی اطلاع پیدا کند (ویلبرگ، ۲۰۱۹: ۹).

ارائه دلایل تصمیمات نه تنها تضمینی برای مخاطب تصمیم شمرده می‌شود تا با اطلاع از آن امکان تصمیم‌گیری صحیح فراهم آید، بلکه موجب غنای حقوقی و تقویت مرجع صدور تصمیم نیز می‌شود. بنابراین تاثیر لزوم ارائه دلایل تصمیمات در جهت اعتماد و اطمینان عمومی و از بین بردن شک و تردید از دستگاه تصمیم‌گیرنده و کاهش

1- The principle of the obligation to state the reasons for decisions

اشتباهات، مفاسد، عدم رضایت مردم و ترقی جایگاه سازمان ایضاً موجب بهبود کارکرد آن می‌شود. نتیجه این که وجود منافع فردی و عمومی مستقر بر وقوف عموم از امر تصمیم‌گیری می‌تواند شالوده‌ای استوار جهت جلوگیری از انحراف تصمیم از مسیر قانونی به طور عام و رعایت مجموعه تضمینات مربوط به حق فردی به طور خاص باشد. البته مطالب فوق بدان معنا نیست که مقام یا نهاد حکومتی در بیان دلایل، لازم است تمام جزئیات فرآیند تصمیم را ذکر نماید؛ چرا که این، نه ممکن است و نه منطقی و چنین انتظاری خود می‌تواند باعث اتلاف وقت و انرژی و افزایش بروکراسی‌ها و وقفه در ارائه خدمات گردد. آنچه مهم است آن که فاکتورها و قوانین مبنایی تصمیم توسط مقام دولتی به گونه‌ای ارائه شود که مقام ناظر بتواند قانونیت یا عدم قانونیت تصمیم متّخذ را ارزیابی نماید. ذکر تمام ادله و مبنای مؤثر در نتیجه تصمیم، توسط مقام یا نهاد لازم است؛ ولی جزئیات دیگر که تأثیر مهمی بر نتیجه تصمیم نداشته، ضروری نمی‌باشد (عطریان، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری را می‌توان یکی از حقوق بنیادین مردم و از مولفه‌های «حکمرانی خوب» به شمار آورد که موجب کارایی و ارتقای سازمان‌های دولتی می‌شود. به عبارت دیگر حکمرانی شایسته و تضمین حقوق شهروندان که جز دغدغه‌های جوامع امروزی است و در محافل علمی و رسمی نیز مورد توجه قرار گرفته، در گرو تحقق اصولی است که از جمله آن اصول، اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری است.

بر این اساس روشن می‌گردد اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری یک مفهوم مرکب و قابل تجزیه به مؤلفه‌های مبنایی متعدد است و تنها در صورت تحقق همه مؤلفه‌های مبنایی مذکور می‌توان شاهد تحقق کامل این اصل بود. اصل مذکور وفاق استواری با دیگر ارزشها و اصول حقوق اداری دارد. لذا برای درک بهتر این اصل و تأثیر آن بر ارتقای جایگاه و کارکرد سازمان‌های دولتی در ایران می‌بایست به بررسی همه عوامل دخیل در اصل مذکور پرداخت. به عبارت دیگر بدون توجه و تجزیه و تحلیل مبنایی آن یعنی «اصل حاکمیت قانون»، «اصل شفافیت»^۱ و «حق دفاع»^۲ در ارتباط با کارایی و ارتقای سازمان‌های دولتی، حصول به نتیجه مطلوب امکان پذیر نخواهد بود.

۳- اهمیت و پیامدهای اصل لزوم ارائه دلایل در تصمیم‌گیری‌های اداری

بیان دلایل تصمیمات از جانب مقامات عمومی از اهمیت بالایی برخوردار است. هرگاه شهروند از مقام اداری بخواهد که مبنای تصمیم را بیان نماید، اداره مکلف به بیان آن خواهد بود. این امر به ویژه در تصمیماتی که حقوق و منافع شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیماتی که برخلاف رویه معمول و سابق اداری اتخاذ می‌شود، تصمیماتی که از حد ضرورت خارج می‌شود و به ویژه تصمیماتی که با استفاده از صلاحیت‌های اختیاری اتخاذ می‌شوند، لازم و ضروری است (هداوند و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات در حقوق اداری دارای اهمیت‌های چندگانه‌ای است از جمله:

۱. تضمین عدالت و انصاف: ارائه دلایل تصمیمات به افراد ذینفع، اطمینان می‌دهد که تصمیمات مربوط به آنها با انصاف و عدالت اتخاذ شده‌اند و از هر گونه تبعیض یا تعصب به دور هستند.

1. Transparency

2. Right of defense

۲. افزایش شفافیت: ارائه دلایل تصمیمات، باعث افزایش شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری شده، افراد را قادر می‌سازد تا فرایند تصمیم‌گیری را بهتر درک کنند.

۳. تقویت اعتماد عمومی: ارائه دلایل تصمیمات، اعتماد عمومی به نظام قضایی و اداری را تقویت نموده و افراد را قادر می‌سازد، دلایل را بررسی کرده و از صحت تصمیمات اطمینان حاصل نمایند.

۴. تسهیل در بررسی قضایی: ارائه دلایل تصمیمات، فرایند بررسی قضایی را تسهیل می‌نماید، زیرا دادگاه‌ها می‌توانند از دلایل موجود برای ارزیابی صحت تصمیمات استفاده کنند.

۵. تقویت اصول حقوق بشر: ارائه دلایل تصمیمات، بازتاب اصول حقوق بشری مانند حق دادرسی منصفانه و رعایت این اصول توسط ادارات می‌باشد.

۶. افزایش مشارکت عمومی: تکلیف به بیان دلایل تصمیم، مشارکت عمومی را که یکی از مولفه‌های نظام‌های دموکراتیک است تقویت می‌کند. وقتی مردم می‌دانند که تصمیمات و اقدامات حاکمیت به چه دلیلی اتخاذ می‌شوند و چگونه تصمیم‌گیری می‌شود، احساس اطمینان بیشتری در مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری دارند. از طرف دیگر، مشارکت عمومی همچنین می‌تواند بهبود شفافیت و ارائه دلایل توسط حاکمیت را تشویق کند، زیرا حاکمیت نیاز دارد تا با مشارکت مردم توضیحات و دلایل خود را برای تصمیماتشان ارائه کند تا حمایت عمومی را بدست آورد (کریگ، ۱۹۹۴).

به طور کلی، اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات در حقوق اداری نه تنها به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه از اهمیت بسزایی برای تضمین عدالت، حقوق بشر، اصول قانونی و افزایش مشارکت عمومی برخوردار است.

۴- مولفه‌های مبنایی اصل به مثابه پیش شرط‌های ارتقای سازمانی

در این بخش مبنایی حقوقی اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات یعنی اصل حاکمیت قانون، حق دفاع و اصل شفافیت با توجه به تأثیر این اصول در ارتقای جایگاه و کارکرد سازمان‌های دولتی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت، در ذیل این عناوین اصول دیگر حقوق اداری که مرتبط با این اصول می‌باشند، مورد توجه خواهند بود.

۴-۱- حاکمیت قانون تضمین انسجام و عدالت در فرآیندهای اداری

ریشه اصلی، اصل ارائه دلایل تصمیمات اداری را باید در اصل حاکمیت قانون جستجو کرد. اصل حاکمیت قانون یکی از اصول مهم حقوقی است که بر اساس آن انجام کلیه امور سیاسی، اداری، قضایی و اتخاذ هر گونه تصمیم از طرف مقامات و مسئولان باید بر طبق قانون باشد. حکمت این اصل، در جلوگیری از استبداد و «اقدام خودسرانه»^۱ از سوی حکام و صاحب منصبان عالی و کارگزاران منصوب آنان در اداره امور و برخورد با شهروندان می‌باشد (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۹۸). قانون بر اصول شناخته شده و عمومی قابل اجرا تکیه دارد، با شرایط برابر برای همه افراد؛ از این رو قانون برتر است و برای دولت و همه مقامات آن الزام‌آور بوده و آن‌ها را مقید می‌کند (استین، ۲۰۰۹: ۲۹۷). بر اساس این اصل مقامات اداری در اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات آزاد نبوده و مکلف به احترام و رعایت کلیه قواعدی

۱. Arbitrary Action

هستند که بر آنها حکومت دارد. این اصل، اداره را به تبعیت از قواعد حقوقی وادار می کند و بیانگر آن است که غیر از اطاعت مردم از قانون، بایستی تمام تصمیمات و اقدامات مأموران دولتی نیز منطبق با قوانین باشد (استوت، ۱۹۹۷: ۲۲). اصل حاکمیت قانون در حقوق اداری مبنای تشکیل، تصمیم گیری و فعالیت اداره می باشد که در پرتو آن صلاحیت مقامات اداری تعیین و محدوده آن نیز معین می گردد (رحمانی، ۱۳۹۹) و بر این اساس مقامات و نهادهای نظارتی موظف به ارزیابی اقدامات اداره می شوند. با این وصف اصل حاکمیت قانون در صلاحیت های مقامات اداری، تصمیمات آنها در خصوص اهداف اداره و نظارت هایی که بر اداره می شود مورد بحث خواهد بود. توجه به هر یک از عناصر مذکور و کاربرد صحیح آن در ارتباط با حقوق شهروندان موجب ارتقای عملکرد سازمان های دولتی خواهد بود.

صلاحیت مقام اداری اولین مولفه از حاکمیت قانون در تصمیم گیری اداری است. بر این اساس ابتدا می بایست صلاحیت مقام اداری را احراز نمود. صلاحیت را در حقوق اداری، متناظر اهلیت در حقوق مدنی دانسته اند با این تفاوت که اهلیت اصولاً مبتنی بر مفهوم حق و در واقع، ناظر بر حق بهره مندی و استیفای حقوق مدنی است و جز در موارد ممنوعه قانونی، قابلیت اعراض دارد، اما صلاحیت همان گونه که گفته شده، حاوی حق به علاوه تکلیف مأمور اداری است که اصولاً دارای قابلیت اعراض نیست. همچنین در حقوق مدنی اصل را بر اهلیت و حقوق اداری، اصل را بر عدم صلاحیت قرار داده اند، و بالاخره صلاحیت را بر خلاف اهلیت دارای استمرار و غیر شخصی توصیف کرده اند (واعظی، ۱۴۰۳: ۳۷-۳۶). بنابراین مقام اداری فی نفسه دارای صلاحیت نیست بلکه صلاحیت تصمیم گیری به او تفویض می شود. به همین دلیل گفته می شود در حقوق اداری اصل بر عدم صلاحیت است. عدم صلاحیت در حقوق اداری جهت حراست از حقوق شهروندان در مقابل قدرت اداره و متعاقب آن رشد مولفه های حقوق بشری اداری و تعالی اداره است.

برای جلوگیری از تخدیش حقوق مردم و ارتقای عملکرد اداره در ارتباط با تصمیمات مقامات اداری که نشأت گرفته از صلاحیت های اختیاری آنان است از ابزاری به نام «معقولیت»^۱ یا «دلایل معقول»^۲ تصمیم در حقوق اداری بحث شده است که در مقاله حاضر جهت جلوگیری از اطاله کلام از تبیین آن اجتناب می گردد. اما توجه به اصل تناسب که شالوده آن در اصل حاکمیت قانون می باشد در این بخش ضروری است. ماده ۶ قانون اروپایی رفتار خوب اداری در تعریف این اصل اشعار می دارد: «۱- کارمند باید در هنگام اتخاذ تصمیم مراقبت نماید که اقدامات اعمال شده با هدف مورد تعقیب، متناسب باشد. به ویژه مقام اداری باید از محدود کردن حق های شهروندان یا تحمیل هزینه بر آنها هنگامی که این محدودیت ها یا هزینه ها در یک ارتباط معقول با اهداف مورد تعقیب قرار ندارند، پرهیزد. ۲- کارمندان در هنگام اتخاذ تصمیم باید یک توازن منصفانه میان منافع اشخاص خصوصی و منافع عمومی ایجاد نمایند». بنابراین تعریف می توان گفت: جوهره تناسب در ایجاد تعادل نهفته است. تناسب شامل یک آزمون سه مرحله ای است که کفایت، ضرورت و تناسب را بررسی می کند. تنها در صورتی یک اقدام اداری ضروری تشخیص داده می شود که ارزیابی نماید، آیا باری که شهروندان از تصمیم اداره متحمل می شوند با اهدافی که مقام اداری از طریق همان اقدام دنبال می کند متناسب است یا خیر؟ (کانانیا، ۲۰۰۹) اصل دیگری که در ارتباط با اصل حاکمیت

1. Reasonableness

2. Reasonable reasons

قانون در تصمیم‌گیری‌های اداری مورد بحث قرار می‌گیرد، اصل رعایت مهلت معقول در تصمیمات اداری است. این اصل بیانگر آن است که کارمندان و نهادهای عمومی باید از تأخیر و تبلی در فرآیندهای اداری و پاسخگویی به شهروندان اجتناب ورزند و امور تحت رسیدگی آن‌ها به سرعت و بدون تأخیر صورت پذیرد؛ بدین ترتیب می‌توان گفت این امور در «وقت معقول»^۱ انجام شده است. بدین جهت، در مجموع اداره‌ی کند یک اداره‌ی بد محسوب می‌گردد و بدیهی است که میزان رضایت‌مندی شهروندان از آن نیز بسیار کم خواهد بود. البته این اصل مؤید عجله بیش از حد و بی‌جهت نیز نخواهد بود؛ بلکه مهلت اقدام باید کافی و مناسب برای اداره و طرف‌های ذی‌نفع باشد؛ (هافمن، ۲۰۱۲: ۱۹۶)، چرا که شتاب بیش از اندازه نیز منجر به تقلیل کیفیت و دقت تصمیمات در اداره می‌شود و از جهت دیگر ممکن است شهروندان را نیز به زحمت و دردسر بیندازد. تشخیص نامعقول بودن مهلت رسیدگی و عادلانه یا ناعادلانه بودن آن بستگی به مقررات ملی، نوع پرونده، عدم سازماندهی صحیح و مناسب مرجع رسیدگی و لزوم دخالت مراجع قضایی و اداری متعدد در جریان رسیدگی دارد. این اصل بیش از آن که ریشه در قانون داشته باشد، بر انصاف استوار می‌باشد. این اصل به ویژه در مواردی که قانون مقامات اداری را اجبار به پاسخ‌گویی و اتخاذ تصمیم در زمان معینی ننموده بر اساس اصل انصاف می‌بایست در یک زمان معقول نسبت به اتخاذ تصمیم اقدام نمایند (لیاج، ۲۰۰۵: ۳۹۹). بر این اساس اجرای اصل امنیت حقوقی شهروندان را در بر داشته و موجب اعتماد و اطمینان آنان به سازمان‌های دولتی و ارتقای سطح عملکرد این سازمان‌ها خواهد شد.

علاوه بر رعایت موارد مذکور در یک فرآیند اداری نظارت بر تصمیمات نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند، ارائه دلایل قانونی و دلایل معقول موجب نظارت‌های مؤثر درونی و بیرونی می‌گردد. توجه به این نکته ضروری است که نظارت اجمالا به معنی بازبینی و مهار است، تا از اعمال قانونی قدرت و عدم تجاوز از اختیارات مقرر اطمینان حاصل شود. نظارت متشکل از دو نوع «نظارت درونی» و «نظارت بیرونی» می‌باشد. نظارت درونی، نظارتی است که هر یک از سازمان‌ها بر عملکرد و اقدامات مقامات و نهادهای تحت اداره خود نظارت می‌کنند (راسخ، ۱۴۰۰: ۱۸-۱۹). نظارت درونی در بیان دیگر نظارتی است که توسط مقامات مافوق بر اساس نظام سلسله مراتب اداری بر مقامات مادون صورت می‌پذیرد و نظارت بیرونی، نظارتی است که بیرون از سازمان اداری بر آن اعمال می‌شود. نظارت درونی که در مواد ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری به آن اشاره شده است، چنان‌که به درستی اعمال گردند موجب اصلاح تصمیمات اشتباه، خارج از قانون و اصول عدالت و همسویی تصمیمات با اصول انصاف و اخلاق خواهد شد. برای دستیابی به این مهم آشنایی مقامات اداری مادون با ضوابط و قواعد نحوه اتخاذ تصمیم و آگاهی مقامات مافوق از قوانین و مقررات جاری کشور که مرتبط با تصمیم متخذه باشد، ضروری می‌باشد. در صورت عدم اصلاح تصمیمات خلاف قانون، طبق اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظارت قضایی از طریق دیوان عدالت اداری به عنوان یک نظارت بیرونی منجر به ابطال تصمیمات غیر قانونی اداره خواهد شد و اداره مکلف به تبعیت از آراء دیوان عدالت اداری است. بنابراین اصلاح و ابطال تصمیمات غیر قانونی و غیر معقول و اتخاذ تصمیماتی که بر ساخته از اصول عدالت و انصاف باشد موجب رضایت مردم و ارتقای جایگاه اداره می‌گردد.

1. Reasonable Time

۴-۲- شفافیت کلید پاسخگویی و اعتمادسازی در نظام اداری

شفافیت در نظام‌های حقوقی نوین، از اصول حکمرانی مطلوب است (نقیبی مفرد، ۱۳۹۶: ۱۲۳). تحقق این اصل بنیادین، لوازمی دارد که بدون آن نمی‌توان انتظار تحقق کامل و مناسب آن را داشت. از جمله این موارد، که در راستای تحقق شفافیت باید رعایت گردد، ارائه دلایل و مستندات تصمیمات، به طور روشن و واضح است؛ به طوری که این ادله و مبانی، مبین و گویای زوایای مختلف عمل باشد و جوانب مختلف تصمیم را برای همگان روشن سازد به شکلی که به خوبی نقاط ضعف، غفلت‌ها و اشتباهات مقام تصمیم‌گیرنده هویدا گردد (عطریان، ۱۳۹۶: ۱۳۳). شفافیت، اصل توانمند ساختن عموم برای به دست آوردن اطلاعات در مورد عملیات و ساختارهای یک نهاد معین تعریف می‌شود (هداوند و همکاران، ۱۴۰۰). در بیان مبانی این اصل همین بس که این اصل بیشتر از آن که مبتنی بر دلایل حقوقی باشد بر آرمان‌های والای بشری استوار است.

اندیشمندان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی دلایل متعددی را برای توجیه شفافیت اداره مطرح کرده‌اند که برخی از مهم‌ترین آنها را می‌توان شفافیت به مثابه شرط حداقلی تحقق نظارت به مثابه عنصر مرکزی پاسخگویی جهت پیشگیری از فساد، مشروعیت اقتدار عمومی و تأثیر شفافیت در افزایش اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی در نظر گرفت (هداوند و همکاران، ۱۴۰۰).

نظارت یکی از دو ابزار مهم نظام‌های دموکراتیک است. مفاد تصمیم‌گیری اداری در مواردی که مخالفت با درخواست متقاضی و در راستای منافع او نمی‌باشد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. چرا که دفاع از منافع شخص و چه بسا «حقوق مکتسبه»^۱ مطرح بوده و در صورت عدم شفافیت تصمیم‌گیرندگان نظارت درونی و بیرونی موثر بر آن امکان‌پذیر نخواهد بود. از طرفی پاسخ‌گویی مقامات اداری یکی از مولفه‌های مهم شفافیت می‌باشد. به طوری که بر بهبود خط مشی ارتقای سلامت اداری و شفافیت سازمانی تأثیر دارد (معدنی و همکاران، ۱۳۹۷). بر این اساس شفافیت در ساختار سازمان‌های دولتی منظومه‌ای است که در مرکز آن مسئولیت و پاسخ‌گویی همه ارکان، نهادها و صاحبان اختیار نهفته است، از این نظر انجام صحیح وظایف و پایبندی به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مستمر، موجب کاهش فساد و حکمرانی شایسته شده (ابراهیم‌پور و همکاران، ۱۴۰۳) و به منظور سنجش میزان پاسخگویی اجتماعی سازمان‌های دولتی از بعد شفافیت، می‌توان از آن بهره برد. شفافیت در فرایندهای سازمانهای عمومی بدین معنی است که اطلاع‌رسانی مناسب و کاملی از اطلاعات و فرایندهای موجود در سازمان‌های دولتی انجام گیرد (رهنورد و همکاران، ۱۳۹۸). توجه به اجرای ضابطه‌مند و شفاف قوانین در جامعه، جوابگو بودن مسئولان به مردم در مورد نقض مقررات، سعی در اصلاح و رفع کاستی‌های موجود و وضعیت نامساعد، شناسایی و ریشه‌یابی علل و زمینه‌های احتمالی کاهش پاسخ‌گویی در سازمان‌های دولتی برای بهبود خط مشی و ارتقای سلامت اداری و شفافیت سازمانی مواردی است که لازمه برنامه‌ریزی و اقدام است (معدنی و همکاران، ۱۳۹۷).

در خصوص بحث مشروعیت اقتدار عمومی که از اعتماد عمومی و مشارکت شهروندان نشأت می‌گیرد توجه به سطح شفافیت بالا محیط‌های نامطمئن و مخاطره‌آمیز را از بین برده و مشارکت شهروندان را افزایش می‌دهد. و این مهم در نهایت موجب ایجاد سازمان‌های دولتی باز (معدنی، ۱۴۰۱) و اصل گشایش می‌گردد. گشایش بدین معناست که اقداماتی که دولت برای انجام وظایف خود اتخاذ می‌کند تا حد ممکن شفاف بوده و مشارکت بخش عمومی را

به همراه داشته باشد، به گونه ای که اعتماد جامعه به نهادهای عمومی را تقویت کند. اصل گشایش از طریق دو ابزار شفافیت و مشارکت موجب مقبولیت مقررات دولتی، بهبود کیفیت مقررات، افزایش رضایت عمومی، تقویت مشارکت عمومی، پیشگیری از فساد اداری و کارکرد بهتر قوه مجریه می شود. این اصل با فراهم کردن دسترسی به اطلاعات بنا به درخواست مردم یا ابتکار مقامات اداری می تواند نقش برجسته ای در ارتقای جایگاه سازمان های دولتی داشته باشد (بیدار و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر موارد مطروحه توجه به نقش مدیریت سازمان در ایجاد شفافیت سازمانی در قالب ارائه گزارش به مردم در راستای چشم انداز، مأموریت، اهداف و عملکرد سازمان (سید نقوی و همکاران، ۱۳۹۲) و همچنین بهره گیری از حکمرانی الکترونیکی نیز یکی از راه کارهایی است که موجب افزایش شفافیت می گردد. این کار از طریق فعالیت هایی چون انتشار قوانین، منشور شهروندی، کشف دارایی های عمومی، بودجه دولتی و شفاف سازی تصمیم گیریها صورت پذیرفته و از موارد بسیار مهم در این حوزه می باشد (قهرمانی افشار و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین توجه به مولفه های یاد شده در ارتباط با شفافیت نقش بسزایی در ارتقای جایگاه سازمان های دولتی و متعاقب آن اعتماد عمومی به ادارات و نظام حکمرانی کشور دارد. نظام قانون گذاری کشور در اسناد بالادستی همچون قانون اساسی، سیاست های کلی نظام اداری، قانون مدیریت خدمات کشوری؛ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و قانون شفافیت قوای سه گانه، دستگاه های اجرایی و سایر نهادها و در مقرراتی چون منشور حقوق شهروندی، حقوق شهروندی در نظام اداری و برنامه جامع اصلاح نظام اداری به اصل شفافیت، کاربرد و اجرای صحیح آن در نظام اداری جهت حفظ حقوق شهروندان توجه ویژه ای نموده است.

۴-۳- حق دفاع تضمین حقوق افراد در برابر تصمیمات دولتی

«حق دفاع» به عنوان یکی از مفاهیم مرتبط با حق استماع مطرح است. حق دفاع شامل مجموعه ای از حقوق و تضمیناتی است که افراد را در مواجهه با اقدامات مختلفی که ممکن است بر حقوق و منافع آنها تأثیر منفی بگذارد، حمایت می کند. این حقوق و تضمینات شامل فرصت برای ارائه دیدگاه و دسترسی به اطلاعات و مدارک مرتبط با اقدامات است (رایان، ۲۰۲۳: ۲۱۷). از این رو از، حق استماع و حق دسترسی به پرونده به عنوان دو پایه حق دفاع نام برده می شود.

«اصل استماع»^۱ به معنای فراهم کردن فرصت برای افراد سهام در یک فرآیند اداری جهت ارائه دیدگاهها در خصوص آن تصمیم متخذه است. این اصل بر تضمین تصمیم گیری منطقی، اجتناب از تصمیم گیری خودسرانه و اطمینان از اجرای صحیح قوانین و مقررات تأکید دارد. «حق دسترسی به پرونده»^۲ به عنوان دومین رکن حق دفاع، به افراد حق دسترسی به اسناد، اطلاعات و مدارک مرتبط با اقداماتی که بر آنها تأثیر می گذارد، را می دهد (هیلبرند، ۲۰۱۸) با داشتن حق دسترسی به پرونده افراد قادرند، مدارک لازم را برای درک دقیق تر موضوعات و اقدامات مرتبط با پرونده خود به دست آورده و نسبت به ارزیابی تصمیمات گرفته شده اقدام نمایند. همچنین از اطلاعات مرتبط با پرونده برای مقاصد قانونی، حقوقی و حفظ مصالح خود استفاده نمایند. با وجود این در کنار اصول مذکور برای دستیابی به اهداف سازمانی در راستای تحقق اصل دفاع، نیازمند به اصلی دیگری با عنوان «حق دسترسی به اسناد»^۳

1. Principle of Hearing

2. Access to File

3. Access to Documents

دولتی هستیم. بر این اساس حق دسترسی به اسناد یا آزادی اطلاعات یعنی هر یک از اعضای جامعه بتواند تقاضای دسترسی به اسناد و اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیر عمومی نگهداری می‌شود و آن مؤسسه جزء در موارد استثنایی و مشخص، اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار می‌دهد (عطریان ۱۳۹۶: ۲۵۹). با توجه به نزدیکی مفهوم این اصل با حق دسترسی به پرونده لازم است به صورت مجمل و صرفاً از دید اشخاص مشمول این اصول، تفاوت این دو اصل بیان گردد. حق دسترسی به پرونده مختص به مخاطب تصمیم و یا حداکثر ذینفع در آن می‌باشد اما اساساً در حق دسترسی به اسناد، نیازی به اثبات ذینفع بودن نیست و یک حق شهروندی محسوب می‌گردد که تمامی شهروندان می‌توانند بالسویه از آن بهره‌مند باشند. بنابراین حق دسترسی به اسناد با مبانی شفافیت و مشارکت مردمی ارتباط می‌یابد که در قسمت سوم مقاله به آن پرداخته شد، و حق دسترسی به پرونده همچنان که گذشت با حق دفاع و استماع و قاعده برابری سلاح‌ها مرتبط است. اما چالش‌هایی که در ارتباط با این اصول وجود دارد و موجب نارضایتی شهروندان و عدم توجه به اصول حقوق بشری در ادارات می‌شود ذیلاً مورد بحث قرار می‌گیرد.

در برخی از تصمیمات اداری شهروندان حقی برای شنیده شدن ندارند. بدین ترتیب که در صورت مخالفت مقام اداری یا کمیسیون مربوطه با درخواست متقاضی و صدور نظر مخالف به عبارتی رأی قطعی و نهایی صادر می‌گردد. و ذینفع حقی برای اعتراض و بهره‌مندی از نظارت درونی قبل از تمسک به نظارت قضایی ندارد. برای مثال و در مورد کمیسیون تقویم قانون حفظ اراضی زراعی و باغ‌ها، حق اعتراض به میزان عوارض معینه پیش بینی نشده است. بهتر بود، قانون قبل از قطعیت تصمیم مخالف کمیسیون فرصتی برای متقاضی قائل می‌شد تا وی بتواند از حقوق خود دفاع کند. به عبارت دیگر بعد از این که کمیسیون‌ها رأی به مخالفت با درخواست یا تعیین میزان عوارض را صادر می‌کردند، فرصتی را برای اعتراض قائل می‌شود تا متقاضی در آن محدوده زمانی به یک مأمور اداری یا یک کمیسیون خاص مراجعه و دلایل و دفاعیات خود را طرح کند یا کمیسיוنی به عنوان مرجع تجدید نظر در نظر گرفته می‌شد.

حق اعتراض به تصمیمات اداری در کنار سایر اصول کلی نظیر مشارکت، استماع و بی‌طرفی از عناصر اداره مطلوب محسوب می‌شوند. به عنوان قاعده کلی، کوتاهی در اجرای عدالت آئینی را باید با اجرای عدالت آئینی در مرحله‌ی تجدید نظر جبران کرد. افراد باید بتوانند قبل از ورود به مرحله‌ی دادرسی و تظلم خواهی، (قبل از برهم خوردن توازن) از حقوق خود دفاع نمایند که این امر مستلزم وجود مراجع تجدید نظری است که امکان بازبینی تصمیمات اداری در آن‌ها وجود داشته باشد. بسیار دیده می‌شود که فرد از جلسه‌ی استماع و یا مشارکت در تصمیم‌گیری محروم مانده و باید این حق برای وی وجود داشته باشد تا بتواند در جلسه‌ی تجدید نظر مورد استماع و یا مشارکت قرار گیرد (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۰۸). در خصوص حق دسترسی به پرونده به عنوان یکی از مبانی مهم حق دفاع گاهی در سازمان‌های اداری شاهد این امر هستیم که، پس از تشکیل پرونده در دبیرخانه یا سایر قسمت‌های اداره و اخذ مدارک هویتی و مالکیتی و تکمیل فرم‌های مربوطه توسط مسئولان فرآیند اداری آغاز و به مرور با اخذ استعلام‌های لازم از ادارات مختلف توسط متقاضی، اسناد و مدارک پرونده تکمیل و آماده تصمیم‌گیری می‌گردد. اصل دسترسی به پرونده به معنی دسترسی به اسناد و مدارک در این فاصله زمانی با درخواست متقاضی برای مطالعه یا تهیه تصویر از مدارک متبلور می‌شود. علیرغم وجود قوانین و مقرراتی که مأمورین اداری را مکلف به ارائه رونوشت اسناد و مدارک پرونده به

ذینفع می‌نماید، گاهی مقامات اداری به دلایل واهی از ارائه مدارک به صاحب پرونده جلوگیری می‌نمایند. وجود اخلاق و انصاف در روند فرآیند اداری در کنار قواعد حقوقی بسیار مهم و نقش متمایزتری در رضایت شهروندان و رعایت حقوق آنان دارد. از این رو با وجود قواعد حقوقی، عدم ارائه مدارک به ذینفع به دلیل عدم رعایت اصول اخلاقی و انصاف توسط مقامات اداری است. خوشرویی و خوش رفتاری کارمند و تعامل سازنده او با ارباب رجوع اولین و مهم‌ترین کلید گشایش درب‌های رضایت و خشنودی شهروندان از نظام اداری است.

اما اصل دسترسی به پرونده تنها در ارائه مدارک موجود در پرونده خلاصه نمی‌شود بلکه اطلاع متقاضی از قوانین و مقررات مربوط به پرونده را نیز در بر می‌گیرد. در این خصوص توجه به دو مورد ضروری است. اول اینکه مقامات اداری تا چه حدی نسبت به ارائه اطلاعات قانونی به متقاضیان اقدام می‌کنند و دوم این که به چه صورت مفاد بخش نامه‌های داخلی علی‌الخصوص بخش نامه‌های جدید را در دسترس متقاضیان قرار می‌دهند. اداره دولتی حق اعمال و استفاده از اسناد و مدارکی را که در دسترس مخاطب تصمیم نبوده است، ندارد. یعنی مأمور اداری صرفاً اجازه استفاده و استناد به مدارکی را دارد که در اختیار ذینفع تصمیم نیز بوده است و لذا وی با اثبات این که برخی اسناد مورد استفاده مقام دولتی در اختیار وی گذاشته نشده و این اسناد تاثیر وافر در نتیجه نهایی تصمیم داشته است، می‌تواند بطان آن عمل اداری را از مرجع قضایی درخواست نماید (میلیکا، ۲۰۱۱). توجه به گسترش فضای فناوری اطلاعات و سایت‌های اینترنتی ادارات دولتی، مفاد قوانین از این طریق در اختیار شهروندان قرار گرفته است. اما با توجه به سطح اطلاعات جامعه ایران، همه شهروندان قادر به استفاده از اطلاعات موجود در سایت‌های اینترنتی نیستند. لذا این امر وظیفه مقامات اداری را در خصوص ارائه اطلاعات قانونی به متقاضیان از بین نمی‌برد. بنابر مطالب ذکر شده میزان و اهمیت حق دسترسی به مدارک پرونده در هر دو سطح و تاثیر آن در رضایت شهروندان و ارتقای جایگاه سازمان‌های دولتی مشهود می‌گردد.

۵- نتیجه گیری

اصل لزوم ارائه دلایل تصمیمات اداری یکی از اصول اساسی در حقوق اداری مدرن به‌شمار می‌آید که اجرای صحیح آن می‌تواند به طور قابل توجهی بر عملکرد و جایگاه سازمان‌های دولتی تأثیر بگذارد. این اصل، با تضمین شفافیت، پاسخگویی و عدالت در تصمیم‌گیری‌های اداری، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق حاکمیت قانون و تقویت اعتماد عمومی به نهادهای دولتی است. مولفه‌های کلیدی این اصل شامل اصول حاکمیت قانون، شفافیت و حق دفاع می‌شود، که هر کدام به‌طور جداگانه نقش مهمی در تضمین عدالت اداری و ارتقای کارکرد سازمان‌های دولتی دارند. همچنین، اصول مرتبطی چون استماع، دسترسی به پرونده، و دسترسی به اسناد و اطلاعات، نیز تأثیر قابل توجهی بر افزایش شفافیت و تسهیل نظارت داخلی و خارجی بر عملکرد ادارات دارند. این اصول نه تنها به بهبود نظارت و کنترل درون‌سازمانی کمک می‌کنند، بلکه با تقویت حقوق بشری در نظام اداری و افزایش مشارکت عمومی، زمینه ارتقای کیفیت تصمیمات و مقررات اداری را فراهم می‌سازند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اجرای دقیق اصل لزوم ارائه دلایل در تصمیمات اداری، رضایت شهروندان را افزایش داده و در نهایت به بهبود کارایی و عملکرد سازمان‌های دولتی منجر می‌شود. با این حال، برای دستیابی به این اهداف، چالش‌های متعددی پیش‌روی اجرای این اصل وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به ناکافی بودن

قوانین و مقررات فعلی، کمبود زیرساخت‌های لازم و منابع مالی و انسانی اشاره کرد. بنابراین، یکی از نخستین گام‌ها در جهت بهبود این وضعیت، بازنگری در قوانین موجود و تصویب قوانین جدیدی است که از اصل لزوم ارائه دلایل حمایت کنند و چارچوب مشخص و شفاف برای آن ایجاد کنند.

علاوه بر این، آموزش مداوم مقامات دولتی در زمینه اجرای صحیح این اصل و آگاهی‌بخشی به شهروندان در مورد حقوق خود در مقابل تصمیمات اداری، از اقدامات ضروری به شمار می‌آید. ایجاد رویه‌های شفاف و استاندارد در ارائه دلایل و ارتقای فناوری‌ها و زیرساخت‌های دیجیتال در ادارات دولتی نیز می‌تواند گام مؤثری در افزایش شفافیت و کارآمدی نظام اداری باشد. دیجیتالی‌سازی فرآیندهای اداری به‌ویژه در زمینه ارائه دلایل و دسترسی به اطلاعات، علاوه بر تسهیل نظارت، به کاهش فساد اداری کمک می‌کند. در نهایت، ایجاد سیستم‌های نظارت مستمر و ارزیابی عملکرد ادارات در اجرای این اصل از انحرافات جلوگیری کرده و موجب بهبود مداوم کارایی و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای دولتی می‌شود.

منابع

- بیدار، زهرا، مشهدی، علی، دبیرنیا، علی‌رضا. (۱۴۰۰). تاملی بر جایگاه و آثار اصل گشایش در حقوق اداری نوین، **فصل‌نامه حقوق اداری**، ۹(۲۹)، ص ۲۶-۹.
- رحمانی، ز. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی حق اداره خوب در کد اروپایی رفتار خوب اداری و نظام حقوقی ایران با تأکید بر دو اصل قانونی بودن و تناسب، **فصل‌نامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، دور اول، شماره سوم. ص ۱۹۳-۱۶۷.
- رضایی‌زاده، محمدجواد، عطریان، فرامرز. (۱۳۹۳). اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا، **فصل‌نامه دانش حقوق عمومی**، ۳(۱۰)، ص ۱۱۱-۹۱.
- رهنورد، فرج‌الله، جوکار، علی، طاهرپور، حبیب‌الله، رسولی، مهدی. (۱۳۹۸). تدوین چارچوبی برای پاسخگویی اجتماعی سازمان‌های دولتی ایران، **فصل‌نامه علمی پژوهشی سازمان‌های دولتی ایران**، ۷(۲)، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- سید نقوی، میرعلی، فراهانی، فاطمه. (۱۳۹۲). ایجاد استراتژی مناسب و ارتقای شفافیت سازمانی از طریق رهبری نوآور، **فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)**، ۲۳(۷۲)، ص ۷۵-۹۷.
- عطریان، فرامرز. (۱۳۹۶). **حقوق اداری تطبیقی، اداره خوب؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا**، تهران: میزان.
- فلاح‌زاده، علی‌محمد. (۱۳۹۴). **حقوق اداری تطبیقی**، تهران: شهر دانش.
- قهرمانی افشار، یاسر، شعبان‌نیا منصور، مهدی، دشتی، علی. (۱۴۰۱). حکمرانی الکترونیک خوب و نظریه دولت باز: رویکرد حقوقی، **فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، ۵(۱۵)، ص ۲۶۷-۲۹۷.
- کریمی، خدیجه. (۱۳۹۵). **عدالت اداری**، تهران: میزان.
- معدنی، ج. (۱۴۰۱). پیوند مفهومی شفافیت سازمانی و فرهنگ سازمانی سالم در نهادهای دولتی (مورد مطالعه: سازمان‌های نظارتی قوه قضاییه)، **مدیریت فرهنگ سازمانی**، ۲۰(۴)، ص ۸۰۲-۸۲۵.

- معدنی، جواد، زرندی، سعید، عبداللهی، محمدرضا. (۱۳۹۷). تحلیل تاثیر پاسخگویی عمومی در خط مشی ارتقای سلامت اداری و شفافیت سازمانی در بخش دولتی، **فصل نامه خط مشی گذاری عمومی در مدیریت**، ۹(۳۰)، ص ص ۴۱-۲۱.

- نقیبی منفرد، ح. (۱۳۸۹). **حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن**. انتشارات شهر دانش.
- واعظی، سید مجتبی. (۱۴۰۳). **حقوق اداری (۲)**. تهران: میزان.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۷). **حقوق بشر و آزادی‌های اساسی**. تهران: میزان.
- هداوند، م.، یحیی‌زاده، ج. (۱۴۰۰). شفافیت اداره و مبانی و منابع موجه ساز و تحدید آن؛ مطالعه موردی «دولت زیر نور خورشید» ایالات متحده آمریکا، فصل‌نامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۴(۱۱)، ص ص ۱۶۹-۱۹۱.
- هداوند، مهدی، مشهدی، علی. (۱۳۹۵). **اصول حقوق اداری**، تهران، خرسندی.
- راسخ، محمد. (۱۴۰۰). **نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی**، تهران: دراک.

- Criag, P. (1994). " The Common Law, Reasons and Administrative Justice", *Cambridge Law Journal*, 53.
- Cananea, G. Della. (2009). Reasonableness in administrative law. *In Reasonableness and law* (pp. 295-310). Dordrecht: Springer Netherlands.
- Hofmann, H. C., Rowe, G. C., & Türk, A. H. (2011). **Administrative law and policy of the European Union**. Oxford University Press, USA.
- Hillebrand pohl, Jens, (2018) The Right to be Heard in European Union Law and The International Minimum Standard Due Process, Transparency and the Rule of Law, *Cerim Online Paper Series*, (6).
- Leach, P. (2011). **Taking a case to the European Court of Human Rights**. Oxford University Press, USA.
- Milecka, Kamila. (2011). The rights to good administration in the light of Article 41 of the charter of fundamental rights of the European union. *Contemporary Legal and Economic Issues*. (3) 43-60
- Ponce, Juli, (2005). Good Administration and Administrative Procedures, *Global Legal Studies*, 12(2), 551-588.
- Ryan, Mark, Foster, Steve, (2023). **Unlocking Constitutional and Administrative Law**. London: Routledge
- Stein, R. (2009). Rule of law: what does it mean. *Minn. J. Int'l L.* 18, 293-303. scholarship.law.umn.edu/mjil/250
- Stott, David, Alexandra, Felix, (1997) **Principles of Administrative Law**, London: Cavendish Publishing Limited.
- Wilberg, Hanna, (2019). **Judicial Review of Administrative Reasoning Processes**. London: Oxford.

The principle of the need to provide reasons for administrative decisions and its place in the efficiency and promotion of government organizations

Amin Banazadeh Ardabili¹, Ali Hajipour Kondroud², Abolfazl Ranjbari³

Abstract

The principle of the need to provide reasons for administrative decisions is one of the new concepts of administrative law and is considered one of the most important principles of good administration. However, the fact is that most of the discussions in this field are focused on the concept and basics of the mentioned principle, and the effect of this principle on the efficiency and promotion of government organizations has rarely been considered. Based on this, considering the position of this principle in administrative law, it is an impossible necessity to deal with the various dimensions of the said principle and to use it in improving the functioning of the administration. In this regard, in the present article, using the descriptive-analytical method and the use of library tools, the basic components of the discussed principle have been analyzed from the point of view of its impact on the efficiency and promotion of the status of government organizations⁴ The results of the research indicate that the correct implementation of the principle of the need to provide reasons for decisions in government offices increases transparency, guarantees justice and fairness, facilitates internal and external supervision, strengthens the principles of human rights in the administration, increases public participation, strengthens public trust and Finally, the fundamental rights of the citizens will be preserved and protected, and the aforementioned results will ultimately lead to the satisfaction of the citizens with the performance of the administration and the improvement of the efficiency of government organizations.

Keywords: the principle of the need to provide reasons for administrative decisions, organization promotion, transparency, organizational efficiency

¹ . PhD student, Department of Public Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

² . Assistant Professor, Department of Law, Urmia branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran (corresponding author)

Hajipour62@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran